



مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

سیدمحمدصادق هاشمی^۱، مهرنوش میرزاامرجی^۲

۳۷

دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۷
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۳/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۶/۱۷

صص: ۱۹۴-۱۶۳

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، فصلنامه علمی، در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده
حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه میان رزمندگان و غیرنظامیان تفکیک قائل می‌شود تا جایی که حمله عمدی علیه غیرنظامیان یا علیه افراد غیرنظامی که در درگیری‌ها مشارکت ندارند، جنایت جنگی محسوب می‌شود. غیرنظامیان حاضر در مخاصمات مسلحانه می‌بایست در برابر خسارات ناشی از حملات گروه‌های مسلح، دولت یا افراد محافظت شوند، زیرا آنها حق دارند از هر گونه خسارتی که ناشی از عدم رعایت موازین قانونی توسط دولت‌ها حین مخاصمات مسلحانه می‌باشد در امان باشند و در صورت سهل‌انگاری دولت‌ها و عدم تبعیت آنها از قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه، مسئولیت حقوقی بر آنها تحمیل می‌گردد و در این صورت با ورود خسارت، همه عاملان و مسببین ورود خسارت به غیرنظامیان حین مخاصمات مسلحانه می‌بایستی پاسخگو باشند و جبران زیان نمایند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال این سوال اصلی است که مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه چیست؟ فرضیه اصلی حاکی است به رغم قواعدی حقوق غیرنظامیان در مناطق مخاصمه مبتنی بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه لیکن هنوز شاهد بروز خسارات و محیط ناامن برای غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه دولت‌های درگیر می‌باشیم که همین امر اهمیت مسئولیت حقوقی و بین‌المللی دولت‌ها در پایبندی به اصول بشردوستانه در حین مخاصمات مسلحانه را مضاعف می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت دولت‌ها، حقوق بین‌الملل، بشردوستانه، غیرنظامیان، مخاصمات مسلحانه.

DOR: 20.1001.1.23225580.1403.14.2.7.8

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در عصر فراصنعتی شاهد وقوع جنگ‌هایی هستیم که به مراتب از جنگ‌های گذشته، خطرناک‌تر و مهلک‌تر است. علت آن به دو ویژگی خاصی بر می‌گردد اولی پیشرفت شگفت‌آور فناوری و دیگری انفجار اطلاعات است که به شدت، دقت، وسعت، زمان، میزان تخریب، محیط درگیری و ... در جنگ‌ها تأثیرگذار بوده است (پیری و خضرای، ۱۳۹۹: ۸). واقعیت آن است که بشیریت، تنها در دو قرن اخیر بوده که با مطرح شدن مباحثی با عنوان حقوق بشردوستانه و توجه به لزوم انسانی‌تر شدن مخاصمات، تلاش‌هایی برای افزایش حمایت از غیرنظامیان در عرصه نبرد به عمل آورده است. ثمره این تلاش را به درستی باید تحت عنوان اصل تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان در مخاصمات مسلحانه دانست به موجب این اصل، موظف به تفکیک قائل گردیدن بین رزمندگان درگیر در مخاصمه و غیرنظامیان می‌باشند و باید از حمله به گروه اخیر خودداری کنند (اقبال، ۱۳۸۸: ۶). مخاصمات مسلحانه معمولاً همراه با صرف هزینه‌های فراوان انسانی، مالی و روانی می‌باشد که به صورت مرگ و میر و معلول و آواره شدن انسان‌های بی‌گناه جلوه‌گر می‌شود. در یک بیان کلی، مجموعه مقرراتی را که حاکم بر زمان جنگ می‌باشند، حقوق مخاصمات مسلحانه می‌گویند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق حاکم بر نحوه هدایت جنگ‌افروزی است. این حقوق صرفاً بشردوستانه بوده و در صدد محدود کردن درد و رنج‌های به وجود آمده است. تمرکز اصلی قواعد بشردوستانه، متوجه حمایت از افراد در جنگ یا هر نوع برخورد مسلحانه دیگر است (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۳: ۱۴۳). حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد بین‌المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد (انسان‌ها) و کشورها در مخاصمات مسلحانه (اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی)، تکالیف آنها در آن مخاصمات را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، حقوق بشردوستانه، حقوق انسانی در زمان جنگ است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۸۲).

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از دیدگاه حقوقی را می‌توان به عنوان اصولی‌ترین نهاد در حقوق بین‌الملل ذکر نمود که به روشی قانونمند، سازوکار و موارد ضروری را در ارتباطات میان تابعان حقوق بشردوستانه بین‌الملل را شناسایی می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴) که با محدود کردن صدمات و لطمات ناشی از مخاصمات مسلحانه و ممنوع کردن استفاده از برخی تسلیحات از افراد نظامی و غیرنظامی و اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه حمایت می‌کند و انسانی‌تر کردن مخاصمات مسلحانه و

1 - International humanitarian law.

هدایت عملیات جنگی را وجهه همت خویش قرار می‌دهد. این حقوق حاصل سازشی است که به طور دائمی بین الزامات نظامی‌گری و اقتضائات بشری و عواطف انسانی وجود دارد و رفتار متخصصان را در مخاصمات مسلحانه به نظم درمی‌آورند و ضوابطی ایجاد می‌کند که بر اساس آن اعتبار اعمال ارتكابی در مخاصمات مورد قضاوت قرار می‌گیرد (زمانی، ۱۳۷۸: ۲۸). آنچه که برای جامعه بشریت مسلم است، پذیرفتن حقیقت تلخ جنگ و آثار ناشی از آن در طول دوره‌های زندگی بشر است که قربانیان زیادی از خود به جای گذارده و با وجود اسناد و قراردادهای و مراجع بین‌المللی اما باز هم شاهد وقوع آن هستیم و قربانیان این جنگ‌ها بیشتر غیرنظامیان هستند تا افراد نظامی حاضر در میدان جنگ. از این رو، با بروز و گسترش روزافزون مخاصمات مسلحانه در دنیای امروزی، دولت‌ها و مراجع بین‌المللی در تلاشی فراگیر سعی در پیشگیری یا محدود کردن ابعاد یا قاعده‌مند ساختن نبردها، با تنظیم اصولی در خصوص نحوه برخورد با اقشار آسیب‌پذیر غیرنظامی (از قبیل؛ کودکان، زنان، سالخورده‌گان، نابینایان، بیماران، مجروحان) و نیز شیوه‌های مخاصمه و هدایت عملیات جنگی سعی در کاهش آثار مخاصمات دارند. در دو قرن گذشته بوده که دولت‌ها به سبب رشد تمدن و مطرح گردیدن لزوم حفاظت از تمامیت جسمی و روانی انسان بعنوان یکی از والاترین ارزش‌های مشترک جوامع بشری، به ضرورت حفظ جان انسان‌ها در مخاصمات مسلحانه علاقه جدی نشان داده‌اند. شکل‌گیری حقوقی با عنوان حقوق بشردوستانه را نیز باید ما حاصل همین توجه دانست که اولین تجلی آن تدوین و تصویب کنوانسیون صلیب سرخ در سال ۱۸۶۴ با موضوع بهبود زخمی‌شدگان نیروهای مسلح می‌باشد. این کنوانسیون پس از آن با کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر از جمله؛ مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های اول و دوم الحاقی ۱۹۷۷ به این کنوانسیون‌ها تکمیل شده است (احمدآبادی، ۱۳۸۶).

در زمان رخ دادن مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در واقع نظام مسئولیت به لحاظ حقوقی امکان محقق شدن را پیدا می‌کند، خواه این نزاع و مخاصمه مسلحانه مشروع بوده باشد و خواه اینکه فاقد مشروعیت بوده باشد (barzegarzadeh & Ghahramani, 2022). ضرورت تفکیک میان نیروهای نظامی و غیرنظامی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که مطابق آن، ضمانت حمایت از غیرنظامیان در مقابل حملات، ایجاد ترس و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی و بکارگیری سلاح‌های سمی و کشتار جمعی ممنوع بوده و لازم است اقدامات احتیاطی در حملات نظامی در راستای حفاظت از جان غیرنظامیان صورت گیرد.

مقاله حاضر مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشردوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

۲.۱. پیشینه پژوهش

شریفی طرازکوهی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مواجهه با تسلیحات نوین نظامی: چالش‌ها و راهکارها» اشاره می‌کند که با ظهور تسلیحات نوین با ماهیت و نوع کاربری متفاوت در میداين نبرد در منازعات اخیر منطقه‌ای و بین‌المللی و توسعه روزافزون تسلیحات از نوع خودگردان، هوشمند، پهپادها و نیز سلاح‌های غیرکشنده، اغلب فعالان و متفکران حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه را بر آن داشت که نسبت به امکان‌سنجی رعایت اصول و مقررات ناظر بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نیز مسئولیت دولت‌های دارنده و بکارگیرنده این نوع تسلیحات مذاقه نمایند. هر چند جنگ‌افزارهای جدید همچون هر پدیده نوظهور دیگری موجد چالش حقوقی برای سازندگان و تنش میان کشورها بوده‌اند لیکن می‌توان با تنظیم مقررات خاص از این تنش‌ها کاست. هرچند شاید اصول کلی ناظر بر مخاصمات مسلحانه کفایت کند ولی در این حوزه نیازمند روزآمدی مقررات حاکم بر آنها هستیم تا با نگرشی پیشگیرانه بتوان از تنش میان دارندگان این سلاح‌ها جلوگیری کرده و حدود استفاده از آنها را ضمن مقررات بین‌المللی و در پرتو مسئولیت بین‌المللی دولت بالأخص از نوع مسئولیت مشدد مشخص نمود.

طاهری و بهرامی (۱۴۰۱) در مقاله «حقوق غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی» مطرح می‌کنند که غیرنظامیان، زنان و کودکان، اسیران جنگی، مجروحین و... به طور کلی قاعده‌مند کردن مخاصمات مسلحانه می‌باشد. از این منظر جنگ یک عمل اجتناب‌ناپذیر است لیکن آثار و تبعات جنگ را بر گروه‌های مورد حمایت می‌توان کاهش داد. حق جبران خسارت، حق رفتار با احترام، حق حمایت و حق درخواست غرامت از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برای قربانیان نقض-های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

مسعودی‌نیا (۱۴۰۱) در مقاله «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی»، معتقد است حمایت از غیرنظامیان و ضرورت تفکیک میان نیروهای نظامی و غیرنظامی از

اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در حقوق بین‌الملل می‌باشد که مطابق آن، ضمانت حمایت از غیرنظامیان در مقابل حملات، ایجاد ترس و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی و استفاده از سلاح‌های سمی و کشتار جمعی ممنوع بوده و لازم است اقدامات احتیاطی در حملات نظامی در راستای حفاظت از جان غیرنظامیان صورت گیرد.

طاهری و قهاری (۱۳۹۹) در مقاله «سیر تحولات حقوق نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه» تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری را آخرین تحول در حقوق بین‌الملل بشردوستانه دانستند لیکن سیر تحول حقوق نظامیان و غیرنظامیان در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در نقطه آخر آن ایستاده و تحول اساسی خاصی بعد از آن صورت نگرفته است که البته پروتکل الحاقی اول مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بوده و پروتکل دوم مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی می‌باشد. در نگاه کلی به سیر تحول حقوق بشردوستانه بین‌المللی طبیعتاً حقوق نظامیان و غیرنظامیان و همچنین اموال آنها بخاطر فجایعی که در جنگ‌ها از بابت فقدان سه عنصر «اصل تفکیک»، «اصل ضرورت» و «اصل تناسب» رخ داده مورد شناسایی قرار گرفته و موجب کاهش رنج‌های بشریت گردیده است.

منصوری (۱۳۹۴) در رساله دکتری «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با تأکید بر مسئولیت فراملی» بیان می‌کند جهان معاصر بویژه در دهه آخر قرن بیستم و آغاز قرن حاضر شاهد وقوع جنگ‌های داخلی بوده که منجر به نقض هنجارهای اساسی و ارزش‌های انسانی شده است. این مخاصمات همیشه بستر مناسبی برای نقض گسترده حقوق بشردوستانه و ارتکاب اعمال خشونت آمیز علیه غیرنظامیان (بویژه زنان و کودکان) و رشد فعالیت‌های تروریستی بوده است. مهمترین منابع حاکم بر این نوع مخاصمات، علاوه بر قواعد عرفی بشردوستانه، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ می‌باشد. از منظر حقوق بشردوستانه، طرف‌های مخاصمات مسلحانه داخلی حداقل ملزم به رعایت مفاد ماده ۳ مشترک و تضمین‌های بنیادین مندرج در پروتکل الحاقی دوم و نیز قواعد بشردوستانه عرفی مربوطه در طول مخاصمه می‌باشند به گونه‌ای که نقض این اصول و تعهدات بشردوستانه می‌تواند مسئولیت بین‌المللی طرفین مخاصمه و حتی واکنش جامعه بین‌المللی را به دنبال داشته باشد.

باقرزاده و قهرمانی (۲۰۲۲) در مقاله «مسئولیت حقوقی بین‌المللی بشردوستانه دولت‌ها در قبال حفاظت از غیرنظامیان حین مخاصمات مسلحانه» مطرح می‌کند غیرنظامیان در برابر هر نوع ظلم و ستم و خسارات حین مخاصمات مسلحانه نیاز به حفاظت دارند و این مطلب اهمیت مسئولیت حقوقی دولت‌ها را در قالب قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو چندان می‌کند. حفاظت ارائه شده توسط دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه بایستی حفاظت و ایمنی مادی و همچنین ایمنی معنوی را بدون هیچ خسارت جسمی و روانی به طور عملی برای غیرنظامیان تضمین نماید که مستلزم آن است که دولت‌های درگیر در منازعات نمی‌بایستی به شرایطی دامن بزنند که در آن مرتکب اعمالی بر علیه غیرنظامیان نظیر ارباب، بازداشت خود سرانه، ربودن، شکنجه و قتل شوند و در غیر این صورت مسئولیت حقوقی به دولتها تحمیل می‌گردد.

۲.۲. مبانی نظری

۲.۲.۱. حقوق بشردوستانه بین‌المللی

ضرورت پیدایش حقوق بین‌الملل هرچند ریشه در ژرفای تاریخ داشته و از نخستین روزگار پیدایش دولت‌ها در بین‌النهرین، مصر، ایران، چین از چهارهزار سال قبل از میلاد بدین سوی به‌گونه‌ای حقوق بین‌الملل وجود داشته و برای رعایت حقوق بشردوستانه راه‌کارهایی را نیز در نظر گرفته‌اند. به‌گونه‌ی مثال از اقدامات انسانی و رعایت حقوق بشردوستانه حماسه «ماها بهاراتا» که هندیان در هنگام جنگ در برابر دشمنان خود به کار بردند، می‌توان نام برد. امروزه اسناد و مدارک مؤثق بدست آمده وجود چنین نیازی را در روابط دولت‌ها به اثبات می‌رساند؛ اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه بحیث اصول پذیرفته‌شده علمی و تأمین‌کننده روابط کشورها زاده سده هفدهم بوده و به مرور زمان به صلابت و پختگی بیشتر رسیده و در سال ۱۹۶۸ در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشردوستانه تهران رسماً پایه‌گذاری شد.

نخستین کتابی که در آن فهرستی از اساسی‌ترین قواعد و مقررات مربوط به حقوق جنگ به کار رفته است مربوط به «هوگو گروسیوس» می‌باشد. در سده هفدهم «گروسیوس» که او را بنیانگذار حقوق بین‌الملل می‌نامند، برای اولین بار در کتاب خود تحت عنوان «حقوق جنگ و صلح» که در سال ۱۶۲۰ چاپ گردیده است، نه تنها مقررات و حقوق بین‌الملل را به‌طور مفصل به رشته تحریر در آورده و این اصطلاح را بجای اصطلاح حقوق بین‌الملل به کار برد، بلکه حقوق جنگ را نیز به‌طور واضح توضیح

کرد. با نشر این کتاب حقوق بشردوستانه بین‌الملل وارد مرحله نوینی شد. البته وی در متن کتاب مذکور از اصطلاح «حقوق بین خلق‌ها» نیز استفاده کرده است. گروسیوس بدین باور بود که حقوق صورت الهی ندارد، بلکه حاصل و فرآورده عقل بشر است و از این روی، یافتن اصول مناسب حاکم بر روابط بین‌المللی ضروری است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۰).

اما مؤثرترین دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی که حقوق بشردوستانه را به اصول پذیرفته شده جهانی مبدل کرد، دیدگاه‌ها و باورهای جان لاک و ژان ژاک روسو بود. جان لاک با ارائه نظرات حقوق طبیعی به این امر اعتقاد داشت که انسان به جهت خلقت و خوی انسانی خود قدرت حاکمیت بر خود را داشته و لذا از این طریق دارای یک حقوق فطری بوده و محدوده این حقوق تا جایی است که موجب تضییع حقوق دیگران نشود.

ژان ژاک روسو نیز با کتاب قرارداد اجتماعی خود تحولی بنیادین در زمینه حقوق بشر دوستانه ایجاد کرد، او می‌گوید: «ایجاد جنگ در نتیجه روابط انسان‌ها نبوده بلکه تضاد منافع یک دولت با دولت دیگر آن را به وجود می‌آورد و در این جنگ‌ها تمام سربازان بطور اتفاقی با هم دشمن شده‌اند». روسو در ادامه به برخی از قواعد لازم‌الاجرا در جنگ مانند حفاظت از جان اسرای جنگی و غیرنظامیان، لزوم حفظ جان افراد بعد از ترک مخاصمه و سایر قوانین و مقررات اشاره می‌کند. این افکار در به وجود آمدن انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ تأثیر بسزایی داشته و در تدوین قانون اساسی آن کشور نقش مهم و اساسی را ایفا کرد. همچنین کتب و اعلامیه‌های مهم دیگری که پیرامون قواعد و مقررات جنگی و حقوق بشردوستانه جنگ تمرکز کرده‌اند، از مجموعه قواعد و مقررات مربوط به جنگ اثر فرانسیس لیبر در سال ۱۸۶۳ در امریکا که در زمینه جنگ زمینی نوشته شده و مجموعه اسناد حقوق بین‌المللی مانند اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس در زمینه قواعد جنگ دریایی، عهدنامه سال ۱۸۶۴ ژنو در مورد حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارمندان بهداری و اعلامیه سن پترزبورگ در مورد ممنوعیت استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک نشینان و غیره قواعد و مقررات بشردوستانه، می‌توان نام برد (روسو، ۱۳۷۱: ۱۶-۱۷).

جنگ جهانی اول طی سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ و پیامدهای ناگوار آن و همین‌گونه جنگ جهانی دوم و تبعات تلخ آن از مهم‌ترین عواملی‌اند که حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در حیات عمومی انسان‌ها در روی زمین به یک امر حیاتی، و الزامی مبدل کرد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به آن بخش از حقوق

بین‌الملل عمومی اطلاق می‌گردد که به کار برد نیروهای مسلح و رفتار با افراد در جریان جنگ مسلحانه حاکم است.^{۱۳} پس حقوق بشردوستانه بین‌المللی علاوه بر این که قواعد حقوق جنگی را در زمان صلح رعایت می‌کند، بیشتر توجه بر سر رعایت قوانین جنگی در زمان جنگ دارد تا قواعد و مقررات زمان جنگ از طرف نیروهای درگیر به طور جدی رعایت گردد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه یکی از شاخه‌های اصلی حقوق بین‌الملل عمومی و مجموعه قواعد قراردادی و عرفی است که به طور خاص، به مشکلات انسانی ناشی از مخاصمات مسلحانه می‌پردازد، و هدف آن محدود کردن طرفین مخاصمات از نظر بکارگیری روش‌ها و ادوات جنگی و در عین حال حمایت از اشخاص و اموال در زمان جنگ است. حقوق بشردوستانه اعمال محدودیت‌هایی در ابزارها و حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه است؛ بدین معنی که در وهله نخست در هنگام ورود به جنگ باید چه شیوه‌ها و کارهایی را اعمال کرد و چه شیوه‌ها و کارهایی را نباید انجام داد (مجیبی، ۱۳۹۹: ۱۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی شامل مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی است که هدف آن، محدود کردن آثار جنگ نسبت به مردم و اهداف جنگی است. حقوق بشردوستانه، اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعه‌های مسلحانه محدود می‌کند و هدف آن عبارت است از: حمایت از افرادی که مستقیم درگیر جنگ نیستند یا دیگر درگیر جنگ نیستند؛ یعنی بیماران، زخمی‌ها، کشتی شکسته‌ها، اسیران، و افراد غیرنظامی (مهرپور، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

با توجه به تعاریف گفته شده می‌توان بر این عقیده بود که حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از اصول و قواعد مبتنی بر حقوق معاهدات و حقوق عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه به منظور سازماندهی، نظارت و رعایت تضمین‌های قابل اجرا، با هدف جلوگیری از آثار نامطلوب ناشی از جنگ و حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه است (رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۲).

۲.۲.۲. مخاصمه مسلحانه بین‌المللی

تجربه تاریخی مخصوصاً فضای حاکم بر جهان معاصر، بیانگر این است که جوامع بشری را از رویارویی با درگیری‌های مسلحانه گریزی نیست و وقوع چنین پدیده تلخ و شومی، واقعیت اجتناب ناپذیر دنیای امروزی است. کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ به منظور اینکه حقوق بشردوستانه در هر زمانی که

نیروهای مسلح با یکدیگر مبارزه می‌کنند، اعمال شود، به جای کلمه جنگ از واژه مخاصمه مسلحانه^۲ استفاده کرد. در واقع، دو دلیل اصلی برای استفاده از این واژه و ترجیح آن بر کلمه جنگ وجود دارد: نخست اینکه مخاصمه مسلحانه طیف گسترده‌ای از درگیری‌های بین گروه‌های سازمان یافته را دربر می‌گیرد. این در حالی است که جنگ انواع دیگر از درگیری‌های خفیف‌تر همچون حوادث و حملات مسلحانه مرزی را دربر نمی‌گیرد. دلیل دوم اینکه؛ در گذشته به منظور اعمال تمام قواعد بشردوستانه، جنگ باید توسط طرفین اعلام می‌شد. البته، این شرط توسط دولت‌هایی مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت که به طور گسترده جنگ را شروع کرده بودند، به این صورت که آنها وجود حالت جنگی بین خود را اعلام نمی‌کردند؛ در نتیجه، بسیاری از قربانیان بدون حمایت باقی می‌ماندند. در حالی که مخاصمه مسلحانه هم شامل جنگ اعلام شده و هم هرگونه مخاصمه مسلحانه دیگری را که ممکن است، بین دولت‌ها صورت گیرد، می‌باشد (اردستانی و کامجو، ۱۳۹۷: ۷۲). هنوز هیچ تعریف ثابتی از اصطلاح مخاصمه مسلحانه وجود ندارد. این اصطلاح هم در کنوانسیون ژنو و هم در پروتکل‌های الحاقی آن به کار رفته است، اما هیچ یک از آنها تعریفی از آن ارائه ندادند. همچنین اسناد بین‌المللی و رویه قضایی در تعاریف خود از مخاصمه مسلحانه بدون اینکه به تبیین مفهوم مخاصمه مسلحانه بپردازند، صرفاً به تمیز و تفکیک مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی پرداخته‌اند (Balendra, 2008: 36). مخاصمات مسلحانه، مخاصماتی هستند که در آنها طرفین درگیر، به قوای مسلح متوسل می‌شوند. بنابراین هر مخاصمه مسلحانه‌ای دو عنصر اساسی دارد: عنصر نخست، طرفین مخاصمه هستند که بایستی ماهیت آنها معلوم و مشخص باشد و عبارتند از دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان یافته باشند یا اینکه یکی از طرفین دولت و طرف مقابل گروه‌های مسلح مخالف دولت می‌باشند. دو وضعیت اخیرالذکر معمولاً در قلمرو داخلی دولت اتفاق می‌افتد. دومین عنصر مخاصمات مسلحانه، توسل به قوای مسلح می‌باشد. عملیات نظامی بوسیله قوای مسلح طرفین درگیر صورت می‌گیرد که نتیجه آن لطمه زدن به دشمن است.

1- War.

2- Armed Conflict.

مخاصمات مسلحانه را به دو نوع مختلف تقسیم کرده‌اند: انواع سستی مخصوصات مسلحانه و انواع خاص مخصوصات مسلحانه (Verhoeven, 2007:31). انواع سستی مخصوصات مسلحانه شامل مخصوصات مسلحانه بین‌المللی و مخصوصات مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی) می‌شود.

مخاصمات مسلحانه هم در جوامع بین‌المللی و هم در جوامع داخلی روی می‌دهند. در عرصه بین‌المللی جنگ میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد در حالی که در جوامع داخلی، جنگ در قلمرو یک دولت بوقوع می‌پیوندد. اولی را مخصوصات مسلحانه بین‌المللی و دومی را مخصوصات مسلحانه غیر بین‌المللی می‌نامند. بنابراین درگیری‌های مسلحانه‌ای که در حال حاضر روی می‌دهند تحت عناوین مخصوصات مسلحانه بین‌المللی و مخصوصات مسلحانه غیر بین‌المللی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه تقسیم‌بندی فوق را به رسمیت می‌شناسد و قواعد و مقررات آن بر چنین مخصوصاتی حاکم است و طرفین خصمه ملزم به رعایت آنها می‌باشند.

ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارد: «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر نوع خصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز نماید اجرا خواهد شد ولو اینکه یکی از دول مزبور وجود چنین خصمه‌ای را تصدیق ننمایند. این کنوانسیون در هر مورد که تمام و یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاهد اشغال نشود نیز مجری است حتی اگر این اشغال با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجهه نگردد.»

ماده فوق بیانگر نکاتی است از جمله اینکه اولاً مخصوصات مسلحانه بین‌المللی مخصوصاتی هستند که میان دول معظم متعاهد روی می‌دهند و این وضعیت زمانی است که یک و یا چندین دولت در مقابل دولت دیگر به نیروی مسلح متوسل می‌شوند. ثانیاً شدت و میزان و همچنین مدت زمان چنین مخصوصاتی متفاوت و متغیر است. ثالثاً عدم اعلام حالت جنگی و یا عدم شناسایی آن از سوی طرفین خصمه، ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص مخصوصات مسلحانه بین‌المللی نیست. بنابراین می‌توان گفت که هر اختلافی که بین دولت‌ها بوجود آمد و موجب درگیری و در نتیجه بکارگیری نیروی مسلح میان آنها شود یک خصمه مسلحانه بین‌المللی و به معنای ماده ۲ مشترک کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد.

در پی تغییر و تحولاتی که در عرصه روابط بین‌الملل صورت گرفت اصل «حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود» مورد توجه حقوق بین‌الملل موضوعه قرار گرفت. تصویب پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو در سال ۱۹۷۷ در همین راستا بوده است. این پروتکل که راجع به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است موجب بسط و توسعه چنین مخاصماتی شده است یعنی علاوه بر جنگ‌های منظم میان دولت‌ها، مبارزه بر علیه سلطه استعماری، اشغال خارجی و رژیم‌های نژاد پرست نیز مخاصمه مسلحانه بین‌المللی قلمداد می‌شوند (Meron, 1995: 558-562).

۲،۲،۳. غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

مقصود از اشخاص غیرنظامی مورد حمایت، تمام افرادی هستند که عضوی از نیروهای نظامی یکی از طرف‌های درگیری نباشند (آنتونی و مالرب، ۱۳۸۸: ۵۳).
اشخاص غیرنظامی مورد حمایت شامل موارد ذیل می‌باشند:

– کودکان

دولت‌ها به موجب مواد ۸۹، ۷۶، ۳۸، ۵۰، ۲۳، ۲۴ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۰ (۱) پروتکل الحاقی اول، مکلف به اتخاذ تدابیر حمایتی ویژه در قبال کودکان می‌باشند. مواد مذکور ناظر بر تغذیه، پوشاک، دارو، مراقبت از ایتم یا کودکان جدا شده از خانواده، چگونگی رفتار در دوران محرومیت از آزادی و توزیع محموله‌های امدادی است. در ماده ۷۷ (۱) پروتکل الحاقی اول تصریح شده است که «کودکان می‌بایست از احترام ویژه برخوردار شوند» (جهان‌تیغ و نجفی، ۱۳۹۷: ۵۵). بعلاوه سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری و دادگاه‌های کیفری در صدد حمایت از این گروه برآمده‌اند. با انعقاد مقاله‌نامه ۱۹۹۹ مرتبط با بدترین اشکال کار کودکان، و همچنین پروتکل الحاقی به عهدنامه حقوق کودک در ارتباط با مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، مصوب سال ۲۰۰۰، منجر به ارتقای سطح حمایتی از کودکان در مخاصمات مسلحانه گردید؛ مطابق با ماده ۳ از مقاله‌نامه مذکور، بکارگیری اجباری کودکان در مخاصمه مسلحانه، بدترین و زشت‌ترین شیوه کار کودکان است؛ این مقاله‌نامه از کشورها می‌خواهد برای نابودی و امحای کامل این شکل از کار کودکان تمامی اقدامات و معیارهای لازم را بکار گیرند (زیده و حقیقت‌پور، ۱۴۰۲: ۱۴).

همچنین ماده ۳۸ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد که به قواعد حقوق بشردوستانه، قبال اعمال در تعارضات مسلحانه، احترام گذارند و احترام به آن را تأمین نمایند (طاهری و بهرامی، ۱۴۰۱: ۷۵).

– زنان

تا قبل از سال ۱۹۴۹، غیرنظامیان از هرگونه حمایت حقوقی محروم بودند؛ به طوری که مخصوصاً در طی دو جنگ جهانی، در عمل ملاحظه شد که اتباع غیرنظامی دشمن از جمله زنان و کودکان آماج هر نوع تجاوز و تعدی بودند. با انعقاد عهدنامه ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، اتباع دشمن از حیث فردی تحت حمایت شدید حقوقی قرار گرفته‌اند (طاهری و بهرامی، ۱۴۰۱: ۷۵). در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، زنان در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن از جمله مواد ۹۱، ۸۹، ۸۵، ۳۸، ۲۷، ۲۳، ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۴، و ۹۷ از عهدنامه چهارم ژنو، مواد ۷۵، ۷۳، ۷۰، و ۷۶ پروتکل الحاقی اول و مواد ۶، ۵، ۴، و ۱۷ پروتکل الحاقی دوم و نیز توسط سازمان ملل متحد به ویژه قطعنامه‌هایی که در راستای حمایت از زنان صادر شده نظیر؛ قطعنامه‌های شماره ۱۳۲۵ سال ۲۰۰۰، شماره ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ سال ۱۹۴۷، شماره ۲۰۰۹ و ۱۹۶۰ سال ۲۰۱۰ مورد حمایت واقع شده‌اند. همچنین آنان از سوی نهادهای حقوق بشری نظیر؛ کنفرانس‌های جهانی در زمینه حقوق بشر، کمیته و کمیسیون و شورای حقوق بشر، سازمان‌های منطقه‌ای و نیز اساسنامه دادگاه‌های کیفری از حمایت برخوردارند (ضیایی بیگلری، ۱۴۰۰: ۱۲۲-۱۲۱).

– بیماران و معلولان

این دو گروه مطابق با موازین حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی مورد حمایت قرار گیرند. ماده ۱۷ کنوانسیون چهارم ژنو دایره حمایتی از این گروه‌ها را تا جایی افزایش داد که کشورها را ملزم به تخلیه آنها از مناطق تحت محاصره می‌نماید. علاوه بر آن، ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قاعده ۳۰ از مجموعه قواعد حقوق بشردوستانه عرفی، حمله به پرسنل بهداری که در خدمت بیماران و معلولان است را ممنوع اعلام کرده و این اقدام را جنایت جنگی قلمداد نموده است. ماده ۱۹ کنوانسیون چهارم ژنو و قواعد ۲۹-۲۸ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه بیان می‌کند، مصونیت واحدهای بهداری در صورت ارتکاب اقداماتی که مضر به حال دشمن است، زایل می‌گردد. در مجموع ماده ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو، مواد ۱۴ و ۱۵ عهدنامه سوم

ژنو مواد ۳۸، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۷، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷ و ۱۳۰ کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۰ و ۱۸ پروتکل الحاقی اول و مواد ۱۱، ۱۰، ۸، ۷ و ۱۲ پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون-های ژنو ۱۹۴۹ و مجموعه‌ای از قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی از ۱۲۱ تا ۱۳۸ مرتبط با مباحث حمایتی از بیماران و معلولان می‌باشد (زبده و حقیقت‌پور، ۱۴۰۲: ۱۵).

– روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران، مجموعه عوامل انسانی نظیر؛ روزنامه‌نگاران، گزارشگران خبر، عکاسان و دیگر عوامل پشت صحنه یک مجموعه خبری می‌باشند که نقش بنیادینی در ایفای اعمال مرتبط با رسانه‌های جمعی از قبیل مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سایر پایگاه‌های خبری را برعهده دارند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۳۱). از حیث تاریخی و حقوقی، پیشینه حمایت از این گروه یعنی عوامل انسانی رسانه‌ها به سال ۱۹۰۷ و ماده ۱۳ منضم به کنوانسیون چهارم ژنو باز می‌گردد. ماده ۷۹ در فصل سوم از بخش سوم پروتکل اول الحاقی به عهدنامه‌های ژنو به طور ویژه به تعیین تدابیری در جهت حمایت از روزنامه‌نگاران پرداخته است. همچنین ماده ۴ کنوانسیون سوم و ماده ۱۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو در حمایت از این گروه است. در بُعد قواعد عرفی بشردوستانه نیز قاعده ۳۴ به تحت حمایت قرار دادن روزنامه‌نگاران اختصاص دارد (زبده و حقیقت‌پور، ۱۴۰۲: ۱۶-۱۵).

– بیگانگان و پناهندگان

بیگانگانی که در قلمرو یکی از متخاصمان به سر می‌برند حق ترک آنجا را دارند مگر آنکه عزیمت آنان مخالف مصالح ملی کشور محل اقامت‌شان باشد (ماده ۳۵ عهدنامه چهارم ژنو). بیگانگان را می‌توان مجبور به کار کردن نمود؛ البته در همان وضعیت و شرایطی که برای کار اتباع آن کشور وجود دارد. اجبار اتباع دشمن به کارهایی که در رابطه با عملیات نظامی باشد، مجاز نیست (مواد ۳۹ و ۴۰ عهدنامه چهارم ژنو). (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۲۳).

پناهندگان کسانی هستند که حوادث یا آزار و اذیت انسان را در جهت یافتن پناهگاه در یک سرزمین دیگر مجبور به ترک میهن‌شان کرده است. زمانی که کشور پناه دهنده با کشور متبوع شخص پناهنده وارد جنگ می‌شود، شخص پناهنده از جمله افراد دشمن محسوب می‌شود. اتباع و شهروندان کشور بی‌طرف که در اثر حملات دشمن، کشور محل اقامت آنها دچار رنج و زیان می‌شوند ممکن است مستقیماً مورد

حمله آنها قرار گرفته باشند و یا اینکه به طور غیرمستقیم از حملات آنها آسیب دیده باشند، مثلاً مخصوصاً رها شده باشند تا مورد حملات و بمباران‌های هوایی قرار گیرند (شفیعی و هنجی، ۱۳۹۲: ۲۱).

۲.۲.۴. حقوق بین‌المللی بشر دوستانه غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

- حق حمایت

حقوق بشر دوستانه در واقع بخشی از حقوق جنگ به شمار می‌رود چرا که مجموع قواعد بین‌المللی حاکم بر زمان جنگ است که عمدتاً جنبه حمایتی دارند، مانند حمایت از افراد نظامی و غیرنظامی؛ اموال و اهداف غیرنظامی در جنگ، مفهوم حقوقی اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، آغاز و پایان جنگ و... دارد. حقوق بین‌المللی بشر دوستانه از کسانی که در جنگ‌ها مشارکت نمیکنند، مانند غیرنظامیان و پرسنل نظامی مذهبی محافظت می‌کند. همچنین از کسانی محافظت می‌کند که دیگر در جنگ مشارکتی ندارند، مانند مجروحین، کشتی شکستگان و مبارزان بیمار و اسرای جنگی.

این افراد از حق زندگی و احترام به تمامیت جسمی و روحی و ضمانت‌های قانونی برخوردارند و با آنها باید در تمامی شرایط به صورت بشر دوستانه و بدون هیچ تبعیضی رفتار شود. گروه‌ها و مکان‌های مورد حمایت حقوق بشر دوستانه شامل؛ غیرنظامیان مجروحان، بیماران اسرای جنگی، نشانها صلیب سرخ، هلال احمر اموال فرهنگی، مساجد، اماکن مقدس، کلیساها و... می‌باشند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۵۵۶).

- اصل تفکیک

نظامیان بایستی در تمامی زمان‌ها بین جمعیت غیرنظامی و نظامی دشمن و به این اهداف غیرنظامی به اهداف نظامی تمایز قائل شوند و هر گونه حمله خود را فقط متوجه نظامیان و احترام نظامی نموده و از هر گونه حمله علیه غیرنظامی به اهداف غیرنظامی ممانعت شود. اصل ایجاد تفکیک میان افراد نظامی و غیرنظامی نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ وضع شد، این اصل اظهار می‌دارد که: «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کند». در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول نیز مقرر گردیده است که: به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت و اموال غیرنظامی، باید همواره غیرنظامیان را از نظامیان و اهداف غیرنظامی را از اهداف نظامی تمیز داد و در نتیجه عملیات نظامی را فقط به اهداف نظامی معطوف داشت (طاهری و بهرامی، ۱۴۰۱: ۸۳-۸۲). همچنین مطابق با ماده ۵۰ پروتکل اول، حتی در موارد شک در غیرنظامی بودن فردی باید او را غیرنظامی محسوب کرد. بر اساس ماده ۵۱ این پروتکل، حتی تهدیدهای خشونت‌آمیز

که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان سکنه غیرنظامی است را ممنوع شمرد. مطابق ماده ۲۵ مقررات لاهه ۱۹۷۰ حمله یا بمبارانی که به هر وسیله علیه شهرها، روستاها، منازل و یا ساختمان بی دفاع صورت پذیرد ممنوع است. اصل تفکیک نظامیان از غیرنظامیان، در مواد ۴۸، ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول بیان شده و به شکل بارزی میزان حمایت از افراد عادی را گسترش داده است. ممنوعیت جنگ کورکورانه و غیرقابل تفکیک احتمالاً مهمترین شکل عینی اصل «جنگ محدود» است که مهمترین نتیجه آن تغییر جهت گیری اساسی جنگ به سوی الزامات ضرورت نظامی است. امروزه رویه دولت‌ها، ممنوعیت استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیت‌شان بدون تفکیک عمل می‌کنند را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل قابل اعمال می‌داند (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۳).

– اصل تناسب

براساس این اصل، صدمات حاصله ناشی از یک حمله در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی حاصل از آن عملیات، باید متناسب باشد. بر مبنای اصل تناسب نیاز است که یک مهاجم اقدامات احتیاطی اتخاذ نماید که اثرات حمله را نسبت به غیرنظامیان را به حداقل برساند. در میان اسناد بین‌المللی اصل تناسب در ماده ۵۱ (۵) (ب) از پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو پیش‌بینی و در ماده ۷۵ تکرار شده است. به موجب این ماده «در هیچ حادثه‌ای نباید میزان خسارت نسبت به مزیت نظامی مستقیم و پیش‌بینی شده بیشتر باشد. اصل تناسب در پروتکل دوم و پروتکل اصلاحی منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف نیز گنجانده شده است. علاوه بر این به موجب ماده ۸ (ب) (۴) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حمله عمدی با علم به اینکه چنین حمله‌ای به طور ضمنی باعث اتلاف جان یا آسیب رساندن به غیرنظامیان یا صدمه زدن به اموال غیرنظامی می‌شود و به وضوح زیاده بر مزیت نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار است، جنایت جنگی در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌شود. این اصل در معاهدات جدید که قابلیت اعمال بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را دارا می‌باشند، یعنی پروتکل اصلاحی ۲ منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف، گنجانده شده و نیز در سایر اسناد ناظر به درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز وارد شده است (طاهری و بهرامی، ۱۴۰۱: ۸۴).

– اصل اتخاذ اقدامات احتیاطی

اصل اقدامات احتیاطی در حمله به خسارت یا تلفات جانبی اشاره دارد یعنی در طول حمله به اهداف نظامی مشروع، جراحت جزئی به غیرنظامیان یا خسارت جانبی به اهداف غیرنظامی وارد شود. در هنگام حمله، فرماندهان نظامی ملزم به رعایت اقدامات احتیاطی می‌باشند (سیفی، ۱۳۹۸: ۱۹). همه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی به منظور اجتناب و به حداقل رساندن تلفات تصادفی غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال نظامی باید اتخاذ شوند. ابتدا در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه رعایت لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی در حمله مورد توجه قرار گرفت که مطابق آن «اگر به دلایل نظامی اقدامی فوری علیه اهداف دریایی یا نظامی واقع در شهر یا بندری بی‌دفاع ضرورت یابد و هیچ فرصتی نیز نتوان به دشمن داد در این صورت فرمانده نیروی دریایی باید تمامی تدابیر لازم را برای به حداقل رساندن صدمات به شهر به عمل آورد». در حال حاضر رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. همچنین این اصل به وضوح در ماده ۱۵۷ پروتکل الحاقی اول و نیز در ماده ۳ (۴) پروتکل دوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف گنجانده شده است. همچنین قطعنامه مصوب سال ۱۹۷۰ عمومی سازمان ملل متحد در خصوص اصول اساسی حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان جنگ، مقرر نمود که «در اجرای عملیات باید تمامی احتیاطات لازم به کار بسته شود تا از ورود هرگونه آسیب و صدمه جانی و مالی به جمعیت‌های غیرنظامی اجتناب گردد» (مسعوی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۲).

— حق حیات

بخش زیادی از مقررات حقوق بشردوستانه به حمایت از حیات ویژه حیات غیرنظامیان به افرادی که در مخاصمات درگیری نیستند، اختصاص دارد. طبق این حقوق، هر فردی به عنوان یک رزمنده یا به عنوان یکی از افراد تحت حمایت یعنی یک غیرنظامی یا یک اسیر جنگی یا رزمنده‌ای که به دلیل جراحت یا بیماری یا به هر علت دیگری ناتوان شده و سلاح خویش را بر زمین گذاشته است، طبقه بندی می‌شود و برخوردار وی از حق حیات بستگی به وضعیت وی در تعلق به این طبقات داشته در صورت تغییر طبقه بندی چگونگی این حق نیز تغییر می‌کند. علاوه بر منشور حقوق بشر اسلامی، حق حیات در اسناد منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۴ اعلامیه آمریکایی درباره حقوق و وظایف انسانی، ماده یک کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است (طاهری و بهرامی، ۱۴۰۱: ۸۶-۸۵).

— حق ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی

ممنوعیت شکنجه و رفتار غیرانسانی از پیامدهای حق حیات است که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو اشاره شده است. ماده ۷۵ پروتکل اول در واقع بخش وسیعی از این اسناد دربردارنده قواعد و روش‌هایی برای چگونگی رفتار انسانی با قربانیان مخاصمات مسلحانه می‌باشد. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو واجد ممنوعیت‌های جدی درباره غیرنظامیان در اسارت است. رفتارهایی نظیر؛ کشتن، حبس غیرقانونی، شکنجه، رفتار ظالمانه، رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز از جمله جرایمی هستند که علیه اسرای نظامی و غیرنظامی جنگ در طول مخاصمات مسلحانه صورت می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۰).

— ممنوعیت وحشت میان جمعیت غیرنظامی

یکی از قواعد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمانه مسلحانه، وحشت و ترس ممنوعیت در میان جمعیت غیرنظامی است. بر اساس ماده ۲۱ کنوانسیون چهارم ژنو: «با غیرنظامیان باید همواره برخوردی انسانی صورت گیرد و به خصوص در برابر همه اقدامات خشونت‌بار یا تهدیدات ناشی از آن حمایت شوند». بر ماده بند یک ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو: هر عملی که هدف آن ارباب یا ترساندن غیرنظامیان باشد ممنوع است ارباب یا ترساندن در صورتی هم که هدف اعلام شده از آن، ممانعت از مداخله جمعیت غیرنظامی در مخاصمات یسا حتی در اعمال غیرقانونی باشد، ممنوع است. بنابراین مقامات یا نیروهای مسلح باید بر اساس کرامت انسانی و قواعد حقوقی، تدابیر دیگری اتخاذ کنند تا امنیت عمومی تضمین شود». چرا که اعمال وحشت‌زا همواره کل جمعیت غیرنظامی را بدون گونه هیچ گونه تفکیک بین متخلفان بالقوه و شهروندان صلح‌جو به طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد (فلک، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۵). بند یک ماده ۲ پروتکل الحاقی اول مقرر می‌دارد؛ اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌بار که هدف اولیه آن گسترش رعب و وحشت بین جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع هستند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نیز در خصوص محکومیت اقدامات ارباب آمیز میان غیرنظامیان چندین قطعنامه را تصویب رسانده است. همچنین در دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی کیفرخواست‌های متعددی بر مبنای ارباب جمعیت غیرنظامی و در خصوص موارد آتش‌گشایی عمدی و بی‌هدف به روی هدف‌های غیرنظامی، آتش‌گشایی غیرقانونی به روی اجتماعات افراد غیرنظامی و تیراندازی و گلوله باران ممتد بر روی نواحی شهری و غیرنظامی تشکیل شده است (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۱: ۶).

— ممنوعیت استفاده از سلاح سمی و کشتار جمعی

ممنوعیت کلی استفاده از گازهای سمی نه فقط استفاده از آنها علیه رزمندگان دشمن اعمال می‌شود بلکه به ممنوعیت آلوده کردن تجهیزات ارائه‌کننده آب و مواد غذایی نیز گسترش می‌یابد. این موضوع در مواد ۵۴ پروتکل الحاقی اول و ماده دوم پروتکل الحاقی دوم در مورد حمایت از اهداف و تجهیزات ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی مقرر شده است. همچنین استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک ممنوع است. استفاده از سلاح شیمیایی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به موجب معاهدات متعدد از جمله؛ اعلامیه لاهه راجع به گازهای خفه‌کننده، پروتکل گاز ژنو (۱۹۲۵)، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳) و ماده ۸ (ب) (۲) از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممنوع شده است. این ممنوعیت نسبت به آن دسته از سلاح بیولوژیکی اعمال می‌گردد که بر انسان اثر می‌گذارند. سلاح‌های بیولوژیک با تولید، باکتری، میکروب، ویروس، قارچ و... باعث ایجاد بیماری‌ها یا گسترش آنها می‌شوند. البته اقداماتی که برای حذف سلاح بیولوژیک در طی سه دهه گذشته به عمل آمده می‌توان گفت که کشورها معتقدند این سلاح نباید وجود داشته باشد و در نتیجه نباید تحت هیچ شرایطی مورد استفاده قرار گیرد (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۵).

در مورد سلاح‌های شیمیایی این نکته مهم است که استفاده از گازهای خفه‌کننده، مشابه و به کلیه مایعات مواد یا وسایل با خواص مشابه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در زمره جنایت جنگی محسوب می‌شود. در پی قضیه حلبچه دولت‌های متعددی اقدام عراق را محکوم کردند. همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸، شورای امنیت سازمان ملل در چندین قطعنامه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق را محکوم کرد (مسعوی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۵).

۲,۲,۵. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مخاصمات مسلحانه

به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یک دولت دارای مسئولیت بین‌المللی برای نقض تعهد حقوقی بین‌المللی است در صورتی که عمل مورد بحث قابل انتساب به آن دولت باشد، این موضوع در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی پیش‌بینی شده است. بنابراین اگر فعل یا ترک فعلی را بتوان به دولتی منتسب کرد که منجر به نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی (به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای) شده باشد، آنگاه می‌توان گفت که آن دولت به موجب حقوق بین‌الملل مسئولیت دارد. به طور کلی پذیرفته شده است که این قواعد در مورد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قابل اعمال می‌باشند (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۰۹).

این قسمت مبنای مسئولیت دولت‌ها به دلیل کمک و معاونت در نقض حقوق بین‌الملل به طور کلی در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی و سپس مبنای آن در قواعد حقوق بشردوستانه بررسی می‌شود.

– طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی در ماده ۲۷ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۸ انعکاس یافته بود. این ماده مقرر می‌دارد اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده، این کمک و مساعدت، از نظر حقوق بین‌المللی نادرست است هر چند ناقض یک تعهد بین‌المللی نباشد. بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، ماده مذکور بیان می‌دارد که اقدام دولت ثالث نباید از محدوده کمک یا یاری فراتر برود زیرا اگر اقدام یک دولت از این محدوده فراتر برود دیگر صرف کمک یا مساعدت مطرح نخواهد بود بلکه شکل‌های دیگر همراهی با یک عمل متخلفانه بین‌المللی به وجود می‌آید که می‌تواند تا حد همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین‌المللی نامشروع است، قرار گیرد. در طرح نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل، یعنی طرح مصوب سال ۲۰۰۱، بحث مسئولیت دولت‌ها به دلیل کمک و مساعدت یا به نحوی نقش داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت یا نهادهای غیردولتی، در مواد ۸، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ اشاره شده است. طبق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ که مهمترین ماده در این خصوص است، دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط ذیل مسئولیت بین‌المللی دارد: الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ و ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد. ماده ۱۶ به وضعیتی می‌پردازد که در آن، دولتی به منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت می‌کند. چنین وضعیتی‌هایی هنگامی رخ می‌دهد که یک دولت به صورت ارادی در انجام رفتاری که ناقض تعهدات بین‌المللی دولت دیگر است او را کمک یا مساعدت می‌کند. برای مثال، آگاهانه تجهیزات لازم را در اختیار او قرار داده یا فعالیت مورد بحث را تأمین مالی کند. به موجب ماده مزبور، کمک یا مساعدت دولت کمک‌کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر خلط شود. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده، تنها تا حدی که رفتار او موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است (ابراهیم گل، ۱۳۹۱: ۸).

ماده ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها از عامل دیگری برای تحقق مسئولیت دولت صحبت می‌کند و آن عامل هدایت و کنترل است. بنابراین علاوه بر مساعدت و کمک، چنانچه دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی هدایت و کنترل کند، مسئول آن فعل خواهد بود. شایان ذکر اینکه در ماده ۱۶ دولت کمک کننده، تنها به میزان همان کمک یا مساعدتی که به منظور ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر انجام داده، مسئول خواهد بود. در مقابل در ماده ۱۷، دولتی که بر ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت دیگر هدایت و کنترل دارد؛ مسئول آن فعل خواهد بود زیرا انجام کل آن فعل را هدایت و کنترل کرده است. همچنین ماده ۸ به وضعیتی می‌پردازد که یک دولت از طریق کنترل و هدایت شخص یا گروهی از اشخاص، مرتکب رفتار متخلفانه بین‌المللی می‌شود. طبق ماده مزبور، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، در صورتی که به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند به موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت تلقی می‌شود. نمونه بارز مصداق ماده ۸ اعمال کنترل و هدایت گروه‌های شورشی و گروه‌های مسلح مخالف مستقر در کشورهای درگیر جنگ داخلی یا کنترل و هدایت گروه‌های تروریستی در کشورهای دیگر است.

ماده دیگری که در بحث مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت می‌توان به آن استناد نمود، بند ۲ ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌هاست؛ البته این ماده مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک تعهد آمره اتفاق افتاده و دولت‌های ثالث می‌بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک و مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند. از اینرو، هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ نقض قواعد آمره ایجاد شده است، قانونی محسوب کند و نباید هیچ گونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد. نمونه‌ای از این نوع تعهدات، تعهد مربوط به عدم شناسایی اکتساب سرزمین از طریق توسل به زور یا کسب حاکمیت از طریق نقض حق تعیین سرنوشت یک ملت است (Tomuschat, 1998: 253-255).

تعهد دوم موجود در بند ۲ ماده ۴۱ دولت‌ها را از ارائه کمک یا مساعدت در جهت حفظ وضعیت ایجاد شده به وسیله نقض‌ها باز می‌دارد. این مسئله فراتر از مسئله کمک یا مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مذکور در ماده ۱۶ است. بنابراین این ماده از خود ارتکاب نقض فراتر رفته و به حفظ وضعیت ناشی از آن نقض می‌پردازد، چه خود نقض ادامه دار باشد و چه این گونه نباشد. بنابراین ماده ۴۲ به رفتاری نظر دارد که به دولت مسئول در حفظ وضعیتی کمک شود که آن یک تعهد عام

الشمول یا نقض یک تعهد آمده بوده، لذا مشروعیت آن به دلیل وضعیت مغایرت با حقوق بین‌الملل پذیرفته نیست و این مسئولیت از سوی همگان قابل استناد است.

مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ماده ۵۷ پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب ۲۰۰۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد «در صورتی کشور عضو از نظر بین‌المللی مسئول تلقی می‌شود که به سازمان‌های بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، کمک و با آنها همکاری کند به شرطی که این همکاری و کمک، همراه با علم و آگاهی به اوضاع و احوال موضوع باشد...» (Bird, 2011: 888-890).

– کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک

به موجب ماده یک این کنوانسیون، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که هرگز اقدام به تولید، استحصال، انباشت و استفاده از تسلیحات بیولوژیکی نکنند. به علاوه به موجب ماده ۳ ملزم شده‌اند که از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سلاح به کشور دیگر و نیز کمک یا تشویق آن دولت جهت تولید یا دستیابی به سلاح‌های بیولوژیکی و تسلیحات کشتار جمعی خودداری نمایند. بنابراین در چارچوب این کنوانسیون، دولت‌ها نه تنها از صادرات سلاح‌های بیولوژیک منع شده‌اند بلکه به جلوگیری از صدور این تسلیحات توسط نهادهای تحت سلطه و قدرت خود نیز ملزم شده‌اند. بر این اساس، صدور تسلیحات و تجهیزات بیولوژیکی به کشور درگیر جنگ، نقض مفاد کنوانسیون بوده و نوعی مساعدت به نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود.

– اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشردوستانه

یکی از تعهدات اصلی دولت‌ها در حوزه قواعد بشردوستانه تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که در ماده یک مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نیز ماده یک پروتکل الحاقی اول گنجانده شده است. رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی در همه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه نوع ویژه‌ای از تعهدات دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است که بر اساس آن دولت‌ها نه تنها در قبال اعمال خود، بلکه نسبت به رفتار دیگران نیز تعهداتی را می‌پذیرند. به عبارت دیگر، دولت‌ها نه تنها خود متعهد به رعایت این مقررات هستند بلکه تعهداتی را جهت ایجاد بسترهای مناسب برای اجرای مقررات مزبور توسط دیگران و نیز مقابله با دولت‌های متخلف، بر عهده می‌گیرند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در تفسیر ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو، اعلام کرده است که تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، صرفاً به رفتار طرفین درگیر در مخاصمه محدود نمی‌شود بلکه این الزام را نیز شامل می‌شود که دولت‌ها باید تمام توان خود را برای تضمین رعایت جهانی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بکار بندند.

دولت‌ها در پرتو تعهد به تضمین رعایت مقررات بین‌المللی بشردوستانه، دو نوع تعهد ایجابی و سلبی دارند. در چارچوب تعهد ایجابی که در بحث تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه وجود دارد، اعتقاد بر این است که همه دولت‌ها حق دارند رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را از سوی دولت‌های درگیر در هر نوع مخاصمه مطالبه کنند زیرا کلیه دولت‌ها در رعایت این قوانین که ویژگی عام الشمول و جهانی دارند، از منافع حقوقی برخوردارند و در نتیجه حق دارند که رعایت آن را خواستار شوند. در این رابطه، دولت‌ها با استفاده از اعتراض دیپلماتیک یا اقدامات جمعی حتی‌المقدور سعی نموده‌اند که از نفوذ خود برای متوقف ساختن نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده کنند (صابری، ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۸).

یکی دیگر از مصادیق تعهد سلبی، خودداری از انتقال تسلیحات برای نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. در بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در دسامبر ۲۰۰۳ اعلام شد یکی از تعهدات دولت‌های ثالث در چارچوب اصل تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه این است که در هنگام انتقال تسلیحات، تمامی احتیاط لازم را بکار بگیرد که چنین تسلیحاتی برای نقض حقوق بشردوستانه استفاده نشود. همچنین در این کنفرانس تأکید شده که دولت‌ها در پرتو تعهد سلبی نباید طرفین درگیری را به نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه تشویق کنند. به علاوه باید از کمک و ترغیب به وقوع چنین نقض‌هایی خودداری نمایند. مضافاً اینکه ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، با استناد به مسئولیت دولتی که آگاهانه و از روی علم، دولت دیگر را در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی یاری می‌رساند، بر این جنبه منفی تعهد مذکور صحنه گذاشته است. یک مثال این تعهد سلبی، ممنوعیت انتقال سلاح و فروش تسلیحات برای یک دولت به دولت دیگر یا طرف دیگر مخاصمه است در حالیکه ارسال کننده می‌داند این سلاح‌ها در جهت ارتکاب نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به کار خواهد رفت. بنابراین از مفهوم ماده یک مشترک به طور غیر مستقیم استنباط می‌شود که دولتهای مزبور نباید طرف‌های درگیری در کلیه مخاصمات مسلحانه

بین‌المللی و غیر بین‌المللی را به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تشویق و ترغیب نمایند یا به آنها در ارتکاب این نقض‌ها کمک و یاری برسانند.

— رویه دولت‌ها

یکی از مصادیق مهم مسئولیت دولت‌های ثالث، اعطای کمک‌های مالی، تسلیحاتی و نظامی یا به طور کلی، کمک‌های مادی است که دولت دریافت‌کننده آنها را در جهت نقض تعهدات بین‌المللی علیه دولت ثالث یا برای سرکوب شورشیان در جریان یک مخاصمه داخلی بکار گیرد.

بند ۵ ماده ۲ منشور ملل متحد که از اعضا می‌خواهد از کمک به کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدامات احتیاطی یا قهری اتخاذ می‌نماید خودداری نمایند، نشان می‌دهد که دولت‌های تصویب‌کننده منشور، بر این عقیده‌اند که تسهیل اقدامات دولتی که سازمان ملل متحد، به دلیل ارتکاب تجاوز یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی، علیه آن اقدامات قهری یا احتیاطی به عمل می‌آورد، مغایر با اهداف منشور و حقوق بین‌الملل به طور کلی است و باید از آن اجتناب شود. این عقیده بر همان فلسفه‌ای مبتنی است که مبنای قاعده مسئولیت ناشی از معاونت در نقض حقوق بین‌الملل است.

دولت‌های اعطاکننده کمک، با تصریح این موضوع به دولت‌های دریافت‌کننده مبنی بر عدم بکارگیری منابع دریافتی برای تجاوز و همچنین تأکید بر قطع کمک‌ها در صورت اقدام بر خلاف این تعهد، در واقع اصل عدم مشروعیت تأمین کمک برای اهداف نامشروع و متخلفانه را به رسمیت شناخته‌اند. به عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا در قراردادهای خود با دول دریافت‌کننده کمک تصریح می‌کند که امکانات تأمین شده تنها می‌تواند برای تأمین امنیت داخلی، دفاع مشروع از خود، امکان شرکت دولت دریافت‌کننده در سازمان‌های منطقه‌ای یا اقدامات جمعی موافق با منشور سازمان ملل متحد یا امکان شرکت در اقدامات جمعی مورد درخواست سازمان ملل متحد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به کار رود.

در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌های شماره ۲۳۲ و ۲۵۳، دولت‌ها را به تحریم اقتصادی رودزیای جنوبی فرا خواند. علت این تحریم، استقرار یک حکومت نژادپرست در آن کشور بود. یکی از قطعنامه‌های مزبور از دولت‌ها می‌خواست که از ارائه کمک‌های مالی یا سایر کمک‌های اقتصادی به رژیم نژادپرست نامشروع در رودزیای جنوبی اجتناب نمایند. علت وضع این تحریم آن بود که حکومت مزبور با ایجاد یک رژیم مبتنی بر نژادپرستی، در حال ارتکاب

عمل نامشروع بود و کمک‌های اقتصادی و مالی می‌توانست موجب تسهیل و تداوم این عمل نامشروع شود. تقریباً تمامی اعضای سازمان ملل متحد این تحریم را رعایت کردند. در سال ۱۹۸۰، شورای امنیت در قطعنامه شماره ۴۶۵ که در مورد ساخت واحدهای مسکونی در قلمرو اشغالی فلسطین صادر کرده بود، مفهوم معاونت در نقض حقوق بین‌الملل را به کار برد، شورای مزبور، بعد از اعلام اینکه این اسکان‌ها حقوق بین‌الملل را نقض نموده است، از کلیه دولت‌ها خواست که از دادن هر گونه کمک به اسرائیل، خصوصاً در ارتباط با اسکان در سرزمین‌های اشغالی اجتناب نمایند. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چندین قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد در شناسایی اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی خودداری نکنند. از جمله قطعنامه شماره ۱۱۰ سال ۱۹۸۰ که با رأی بالایی هم تصویب شد، از همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و سایر مؤسسات می‌خواهد که از شناسایی یا همکاری یا کمک به هر نحو در ارتباط با هرگونه اقدامات اسرائیل در خصوص بهره‌برداری منابع سرزمین‌های اشغالی یا ایجاد هر گونه تغییرات در ترکیب جمعیتی، ویژگی جغرافیایی یا ساختار نهادین سرزمین‌های مزبور خودداری نمایند.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۰، دولت انگلیس را به کمک به نقض قواعد حقوقی جنگ توسط دولت عراق، متهم نمود. در این اعتراض، دولت انگلیس به تأمین سلاح‌های شیمیایی استعمال شده توسط عراق علیه ایران متهم شده بود. مبنای دیگر اعتراض ایران آن بود که این کمک‌ها اعمال تجاوزکارانه عراق را تسهیل کرده است. دولت انگلیس، هر دوی این ادعاها را که او دارای تسلیحات شیمیایی بوده و اینکه آنها را در اختیار دولت عراق قرار داده است، رد کرد. در پی انتشار گزارش گروه تحقیق سازمان ملل متحد در تأیید استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق، ایالات متحده آمریکا و چندین دولت اروپایی، فروش مواد شیمیایی قابل استفاده در ساخت سلاح‌های شیمیایی را به عراق متوقف نمودند. در سال ۱۹۹۸ ادعای مشابهی علیه سودان مطرح شد مبنی بر اینکه این کشور به عراق در ساخت سلاح‌های شیمیایی کمک کرده زیرا یک سری تأسیسات و کارخانجات را در اختیار مهندسان عراقی قرار داده بود تا مراحل تولید گاز اعصاب را در آنجا انجام دهند. البته نماینده عراق در سازمان ملل این ادعا را رد کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۶۲۰ در سال ۱۹۸۸، ضمن محکوم کردن استعمال سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق، از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که همچنین بر صدور محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح شیمیایی در

عراق بکار گرفته شود، خصوصاً به طرفین یک مخاصمه در زمانی که استفاده آنها از سلاح‌های مزبور در مغایرت با تعهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد، نظارت شدیدی اعمال نمایند (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۳-۱۹).

به هرحال موارد بالا نشانگر اعتقاد دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به تعهد هر دولت در خصوص عدم کمک به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت‌های دیگر است.

— رویه قضایی بین‌المللی

قاعده مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت به نقض حقوق بین‌المللی در رویه محاکم بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی راجع به قضیه نامیبیا در سال ۱۹۷۱، رأی خود را در خصوص ملزم بودن دولت‌ها به خودداری از ورود به مبادلات متضمن شناسایی اشغال نامیبیا با آفریقای جنوبی، علاوه بر تعهدات ناشی از ماده ۲۵ منشور ملل متحد، بر حقوق بین‌الملل عمومی مبتنی نمود. این اقدام دیوان متضمن این معنی است که دیوان معتقد است که علاوه بر اینکه دولت‌ها ملزم به خودداری از کمک به آفریقای جنوبی از طریق شناسایی اشغال نامیبیا هستند به موجب حقوق بین‌الملل عمومی نیز تعهدی بر عهده دارند که به موجب آن باید از اقدامی که به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت دیگر کمک می‌کند، اجتناب نمایند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶، ضمن بررسی برخی اعمال مورد ادعا که از سوی ایالات متحده آمریکا ارتکاب یافته بود، چنین نتیجه‌گیری کرد که ایالات متحده متعهد بوده که افراد و گروه‌های درگیر در مخاصمه در نیکاراگوئه را تشویق و ترغیب به نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نکند. دیوان همچنین در این قضیه رأی داد که ایالات متحده از بابت برنامه‌ریزی، هدایت و کمکی که به مخالفان دولت نیکاراگوئه (کترها) کرده، مسئول است. قضیه نیکاراگوئه از چند جهت در بحث مسئولیت ناشی از کمک، هدایت و کنترل اهمیت دارد؛ اول اینکه دیوان، ادعای مبنی بر مسئولیت فراملی کشور دیگر را پذیرفت تا اینکه مستقیماً و بدون بررسی آن را رد بکند. دوم اینکه دیوان، در این قضیه موضوع آسیب و ضرر غیرمستقیم از سوی کشور دیگر را مطرح نمود. به علاوه امکان مسئول بودن یک کشور به دلیل حمایت و کمک به کشور دیگر یا گروه‌های غیر دولتی در نقض قوانین بین‌المللی از جمله حقوق بشر دوستانه را به رسمیت شناخت.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۰۴ نیز در ارتباط با تعهد سایر دولت‌ها با توجه به ماهیت عام‌الشمول تعهدات نقض شده اظهار داشت که دولت‌ها متعهدند وضعیت‌های غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی و اطراف شرق بیت‌المقدس را به رسمیت نشناخته و از هرگونه همکاری و کمک در جهت تداوم وضعیت ناشی از چنین احداثی خودداری کنند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی فوریه ۲۰۰۷ در دعوی بوسنی و هرزه‌گوین، به موضوع معاونت در ارتکاب جرم نسل‌کشی اشاره کرده است. دیوان در بخشی از رأی خود اعلام نمود که صربستان، توطئه‌ای جهت ارتکاب جنایت نسل‌کشی تدارک ندیده و مرتکبان این جنایت را نیز به ارتکاب آن تحریک و تشویق نکرده است و بنابراین به جهت معاونت در ارتکاب نسل‌کشی مسئولیت ندارد (Quigley, 2006: 34-38).

بدین ترتیب آرای محاکم بین‌المللی نیز بر وجود قاعده‌ای صحه گذاشته‌اند که بر اساس آن، دولت‌ها ملزم به اجتناب از کمک، مساعدت، تشویق و ترغیب و شناسایی اعمال متخلفانه و ناقض قوانین بین‌المللی ارتكابی از سوی دولت‌های دیگر و نیز گروه‌های خصوصی مستقر در قلمرو آنها به ویژه در مخاصمات داخلی هستند.

نتیجه‌گیری

تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان را باید یکی از مهمترین ثمرات مباحث حقوق بشردوستانه در حمایت از غیرنظامیان گرفتار در صحنه مخاصمه دانست. اصلی که نخستین بار به موجب قانون موسوم به لیبر، توسط دولت ایالات متحده و به عنوان راهنمایی لازم الاجرا برای ارتش ایالات متحده در جریان جنگ‌های داخلی آمریکا در سال ۱۸۶۳ میلادی پا به عرصه وجود گذاشت و پس از آن در چارچوب اعلامیه سن پترزبرگ (۱۸۶۸) مورد تأیید مجدد قرار گرفت. از آن زمان تاکنون این اصل در بسیاری از معاهدات مرتبط با حقوق بشردوستانه مورد شناسایی و تأیید قرار گرفت که از جمله می‌توان به مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های فوق‌الذکر در باب حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در ۱۹۷۷ اشاره نمود. امروزه اصل تفکیک به چنان جایگاهی نائل گردیده است که نه تنها در چارچوب تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی مربوطه و در رابطه با کشورهای عضو این معاهدات، بلکه در قالب عرف بین‌المللی

مربوطه و در رابطه با کشورهای عضو این معاهدات، بلکه در قالب عرف بین‌المللی تبدیل به قاعده‌ای لازم‌الرعایه برای تمامی اعضای جامعه بین‌المللی گردیده است.

پر واضح است غیرنظامیان نقش خصومت‌آمیزی در جنگ‌ها ندارند لیکن با شروع جنگ‌ها آسیب و تلفات زیادی داشته و حقوق آن‌ها پایمال شده است. نمونه این جنگ‌ها؛ حمله نظامی عراق به ایران، عربستان به یمن و در زمان کنونی حمله وحشیانه رژیم غاصب صهیونیستی به مردم مظلوم غزه (فلسطین) می‌باشد. حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجموعه‌ای از قوانین است که به دنبال روش‌های بشردوستانه برای محدود کردن اثرات مخاصمات مسلحانه می‌باشد و از افرادی که در جنگ مشارکت ندارند یا در حال حاضر از جنگیدن کناره‌گیری کرده‌اند، محافظت نموده و با وضع مقرراتی از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری می‌کند. غیرنظامیان طبق قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به افرادی گفته می‌شود که عضو هیچ نیروی نظامی نیستند و هیچ نقش خصومت‌آمیزی در وضعیت جنگی ندارد. چنین اشخاصی در دسته افراد غیرجنگجو قرار می‌گیرند و تحت درجه‌ای از حمایت‌های قانونی در برابر تأثیرات شرایط جنگی و اشغال نظامی می‌باشند. بخش عمده‌ای از حقوق بین‌المللی بشردوستانه در چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ مطرح شده است. تعداد ۱۹۶ کشور در سراسر دنیا متعهد شده‌اند که از این قوانین پیروی کنند. این کنوانسیون‌ها توسط دو معاهده دیگر یعنی پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه تکمیل شده‌اند.

کنوانسیون‌های ژنو بر پایه احترام به فرد و عزت و شرف وی بنیان نهاده شده است. باید به حقوق افرادی که به طور مستقیم در درگیری‌ها شرکت نمی‌کنند و اشخاصی که به علت بیماری، جراحت، اسارت و یا هر علت دیگری فاقد توان مبارزه هستند احترام گذاشته شده، در مقابل اثرات جنگ محافظت شوند و باید به افرادی که بر اثر جنگ دچار خسارت و ضرر و زیان می‌شوند بدون هیچ‌گونه تبعیضی کمک شود. همچنین طبق پروتکل‌های الحاقی، کلیه افراد جنگ‌زده بایستی تحت این حمایت قرار گیرند و طرف‌های درگیر در جنگ و نظامیان نباید به افراد و اهداف غیرنظامی حمله کنند و باید عملیات نظامی خود را مطابق با قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده بشردوستانه هدایت و رهبری نمایند.

مطابق ماده‌های شماره ۱ و ۲ از طرح مواد در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (مصوب ۲۰۰۱)، به هر نوع فعل صورت گرفته دولت‌ها که نوعاً به صورت تخلف‌آمیز، آن هم در عرصه بین‌المللی رخ داده باشد، اطلاق می‌گردد که مسئولیت بین‌المللی بر آن کشور را نیز بار می‌نماید خواه این مسئولیت

بین‌المللی در قبال نقض قواعد حقوق بشر دوستانه موجب شده باشد و یا اینکه عمل خطاکارانه در حین مخاصمات مسلحانه داخلی و یا بین‌المللی از سوی دولت‌ها صورت بپذیرد که باعث ورود خسارات شود. قانونمند نمودن ارتباطات حقوقی در درگیری‌های میان دولت‌ها و طرف‌های درگیر که به صورت مخاصمات مسلحانه و در جنگ به وقوع می‌پیوندد، باعث بوجود آمدن یک سری مقررات و قواعد حقوقی در عرصه بین‌المللی با عنوان حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌گردد که از آن به مسئولیت حقوقی بین‌المللی بشردوستانه یاد می‌شود تا بتوان بر مبنای این حقوق جهت دهی و نظارت منازعات و مخاصمات مسلحانه را به سمت مسئولیت حقوقی الزام آور برای دولت‌ها برده و از این طریق تأثیرات تخریب‌کننده و خسارت‌ها و زیان‌های وارد به بشر را کاهش داده و یا حتی از آن جلوگیری نمود که مسلماً این مسئولیت حقوقی دولت‌ها در قبال حفاظت از غیرنظامیان نیز حاکم است.

ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ دارای این ویژگی است که برای نخستین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل، معاهده‌ای علاوه بر تعهد به اجرا، تعهد به تضمین اجرا را هم در بر می‌گیرد. به موجب این ماده «طرفین معظم متعهد می‌شوند که کنوانسیون حاضر را در هر شرایطی اجرا نموده و اجرای آن را تضمین نمایند». تعهد مزبور مبنی بر اجرا و تضمین اجرا در بند یک ماده ۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مصوب ۱۹۷۷ نیز عیناً تکرار شده است. این تعهد را باید تعهدی دو وجهی تلقی کرد چرا که دول را فرا می‌خواند تا هم کنوانسیون را اجرا کنند و هم اجرای آن را تضمین نمایند. بررسی مبانی تضمین در کنار راهکارها و ضمانت اجراها نشان می‌دهد که نحوه ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز جدای از همان ترتیبات و روش‌های مرسوم حقوق بین‌الملل نیست. اجرای آن در وهله نخست با دولت‌هاست. آنها هستند که باید تعهدات بین‌المللی خویش را ایفا نمایند. مسئولیت عدم ایفای تعهدات مزبور نیز با آنهاست. در عین حال اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به گونه‌ای دیگر نیز تضمین شده است که تا اندازه‌ای متمایز است و آن مسئولیت افراد در قبال عدم رعایت این قواعد است. نگاهی به راهکارها و ضمانت اجراها، نشانگر آن است که برخی متوجه دول و پاره‌های منحصر به افراد است. بدیهی است که در این زمینه نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و توابع آنها چون سازمان ملل متحد، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب و نیز نقش محاکم بین‌المللی کیفری چون دیوان بین‌المللی کیفری و

1- "The High Contracting Parties undertake to respect and to ensure respect for the present Convention in all circumstances".

محاكم بين المللى كىفرى ویژه را نمى توان از نظر دور داشت. شایان ذکر اینکه آنچه عملی شدن تضمین را در معرض مخاطره قرار مى دهد، توسل ابزاری و متأثر از منافع سیاسى به راهکارها و ضمانت اجراهای مزبور است؛ به این صورت که دولت متعهد به قاعده بشردوستانه اولیه، چنانچه منافعش ایجاب نماید، قاعده را رعایت نماید و دولت متعهد به ضمانت اجرا هرگاه به مصلحت بداند در مقابل نقض قاعده اولیه واکنش نشان دهد و در غیر این صورت، تعهد به تضمین را به سکوت برگزار نماید.

فهرست منابع

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۱). مسئولیت بین‌المللی دولت، تهران، پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه (۱۳۸۳). رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران.
- احمدآبادی، عیسی (۱۳۸۶). حمایت از افراد و اموال غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- احمدی میانجی، علی (۱۳۸۷). ترجمه کتاب الاسیر فی الاسلام، تهران، انتشارات دادگستر.
- اقبال، کیوان (۱۳۸۸). تحولات اخیر در اصل تفکیک بین رزمندگان و غیرنظامیان در حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پیری، هادی مراد و حمیدرضا خضرای (۱۳۹۹). نقش فناوری‌های نوین اطلاعاتی در جنگ‌های آینده، مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۲۳)، ۱۷۷-۱۵۹.
- توکلی طبسی، علی، فرنگیس منصوری، محمدتقی رضایی و توکل حبیب‌زاده (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی، حقوقی بین‌المللی، ۳۰(۴۹)، ۹۶-۶۱.
- راجرز، آنتونی و پل مالرب (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۷۱). قرارداد اجتماعی، ترجمه عنایت‌الله شکیباپور، بی‌نا.
- زبده، محمد و حسین حقیقت‌پور (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی در مصونیت غیرنظامیان و زوال آن در نظام‌های حقوق بشردوستانه اسلام و بین‌الملل، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۲(۳)، ۲۸-۷.
- سعیدی، سمانه (۱۳۹۷). اسارت زنان در جنگ سوریه و عراق و وظیفه جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه معارف اسلامی.
- سیفی، بهزاد و حسین شریفی طرازکوهی (۱۳۹۸). ضرورت آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه (دریایی) در نیروهای مسلح با تأکید بر کارکنان نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، آموزش علوم دریایی، ۶(۱۹)، ۸۵-۶۸.
- شریفی طرازکوهی، حسین، سیدقاسم زمانی و مسلم یعقوبی (۱۴۰۲). اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مواجهه با تسلیحات نوین نظامی: چالش‌ها و راهکارها، پژوهش‌های حقوقی، ۱۲(۵۴)، ۳۹-۷.

صابری، هنگامه (۱۳۷۸). ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه؛ تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۳). مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی، پژوهش حقوق عمومی، ۱۶(۴۴)، ۱۰۵-۱۲۸.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۹). اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات گنج دانش.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲). حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر، کمیته ملی حقوق بشردوستانه.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق عمومی، ۶(۱۳)، ۵-۱۹.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش.

طاهری، صمد و اکرم بهرامی (۱۴۰۱). حقوق غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ۵(۱۸)، ۷۰-۹۱.

طاهری، علیرضا و شسیوا قهاری (۱۳۹۹). سیر تحولات حقوق نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پژوهش بین‌الملل، ۲(۳)، ۵-۳۱.

فلک، دیتر (۱۳۹۷). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه سیدقاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، پژوهشکده حقوقی شهر دانش.

محبی، علی (۱۳۹۹). حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشردوستانه، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۱۹)، ۱-۲۰.

مسائلی، محمود و عالیه ارفعی (۱۳۷۳). جنگ و صلح از دیدگاه حقوق در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

مسعودی‌نیا، محمد (۱۴۰۱). حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در فقه و حقوق کیفری بین‌المللی، فقه جزای تطبیقی، ۲(۳)، ۱۱۳-۱۲۷.

مظاهری، مسعود، سهراب صلاحی و مریم مرادی (۱۴۰۱). بکارگیری قدرت نرم علیه حاکمیت دولت‌ها از طریق جریان آزاد اطلاعات، مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۳)، ۱۸۵-۲۰۴.

منصوری، فرنگیس (۱۳۹۴). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با تأکید بر مسئولیت فراملی، رساله دکتری دانشگاه پیام نور استان تهران.

- مهرپور، حسین (۱۳۸۳). نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: نشر میزان.
- موسوی میرکلانی، سیدطه (۱۳۹۲). راهکارها و ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوقی دادگستری، ۷۷ (۸۳)، ۱۵۱-۱۸۳.
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک لوئیس (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، انتشارات مجد.
- A. Bird, (2013) Third State Responsibility for Human Rights Violations, EJIL, vol. 21, No. 4, 12-32.
- Balendra, Natasha (2007). Defining armed conflict, Oxford Journal of Law, Vol. 29, No. 6, 23-38.
- Barzegarzade, Abbas and Abdolreza Ghahramani (2022), International Humanitarian legal Responsibility of States to protect Civilians during Armed Conflicts, The 12th International Conference on Law and Judicial Sciences.
- C. Tomuschat, (1998). International Crimes by States: An Endangered Species, in K. Wellens (Ed), International Law, Theory and Practice. Ingrid Detter. (2000) the Law of War. Cambridge University Press. second edition
- J. K. Quigley, (2006) Transnational States Responsibility for Violation of International Law, Australian Journal of International Law, vol. 226, 65-87.
- Verhoeven, Sten (2007). International and Non-international Armed Conflict, Institute for International law-working paper, Vol, 12 No. 107, 34-45.